

## پاکستان باد کاشته واکنون طوفان درو میکند

### مبارزه طالبان پاکستان به رهبری بیت الله مسود\*

به دنبال متواری شدن مولانا فضل الله رهبر مذهبی طالبان محلی در منطقه صوات ایالت سرحد پاکستان، جنبش جدید طالبان پاکستان شکل گرفت. این جنبش بعد از نشست مشترک نمایندگان بیست گروه مختلف طالبان قبایل سرحدی از جمله طالبان وزیرستان شمالی، وزیرستان جنوبی، خیبر، کرم، باجور، ورکزی، مهمند، بونیر، ملاکند، کوهستان، دره آدم خیل و صوات به وجود آمد. طالبان گرد آمده از نقاط مختلف مناطق قبایلی بیت الله مسود را به عنوان فرمانده و مولوی محمد عمر را به عنوان سخنگوی این جنبش تعیین کردند.

بگزارش عبدالرزاق حبیبی، روز ۱۴ دسمبر جنبش جدید طالبان پاکستان در نخستین نشست خود یک شورای ۴۰ نفره بر رهبری بیت الله مسود تشکیل داد و مولوی عمر سخنگوی این شورا انتخاب گردید. رهبر این شورا در مصاحبه ای گفته است: **هدف این جنبش، مقابله با عملیات نظامی پاکستان است** و افزود که اگر حکومت پاکستان برخلاف طالبان دست به عملیاتی بزند، با جواب دندان شکنی روبرو خواهد شد. نامبرده گفت که حکومت در صوات دست به عملیات نظامی زد، ولی در باجور به مذاکره پرداخته و در وزیرستان یک قولنامه امنیت داده است اما ما نمیدانیم که حکومت با ما می جنگد یا یک قرار صلح می بندد؟ بر اثر سیاست نادرست حکومت، ما در کشور خود مجبور به جهاد دفاعی شده ایم.

مولوی عمر که به صفت نطق جنبش طالبان پاکستان تعیین شده در مصاحبه خود با بی بی سی در مورد جلسه مشترک رهبران طالبان گفت: هرگونه صحبت و مذاکره ای که با حکومت صورت میگیرد، تمام طالبان در برابر آن یک موقف مشترک خواهند گرفت. بدین منظور تحریک طالبان یک کمیته ای را برای مذاکره با حکومت انتخاب کرده که اگر با حکومت جنگ میشود یا صلح، آنها نتیجه را برای تصمیم مشترک ابلاغ خواهند کرد. نطق افزود که آنها از حکومت پاکستان خواسته اند که باید فوراً عملیات را در صوات قطع کند و نیروهای نظامی خود را از صوات خارج کند. به حکومت ده روز وقت داده شده که تصمیم خود را مبنی به اخراج سربازان خود از صوات بگیرد و تمام پوسته های امنیتی خود را از وزیرستان جنوبی و وزیرستان شمالی بردارد، و بشمول خطیب لال مسجد مولانا عبدالعزیز تمام طالبان زندانی را از زندان رها کند.

مولوی عمر در ارتباط به افغانستان گفت: **هدف ما مقاومت در برابر قوت های امریکانی و ناتو است ولی در مقابل سیاست نادرست حکومت پاکستان ما مجبور به جهاد دفاعی شده ایم.** مولوی عمر افزود که در این جلسه به نمایندگی از رهبر دینی صوات مولانا فضل الله یک نماینده مهم بنام مولوی عبدالغفور با یک نفر دیگر اشتراک ورزیده بود. (تول افغان ۱۴/۱۲/۲۰۰۷)

روزنامه جنگ چاپ پاکستان در مورد بیت الله محسود (مسود درست است) نوشت: بیت الله مسود پس از وقایع منطقه صوات در ایالت سرحد، اقدام به بازسازی تشکیلاتی نموده و جنبشی را به نام طالبان پاکستان تاسیس کرده است. به نظر میرسد حوادث صوات و تضعیف مواضع مولانا فضل الله و فرار وی از امام دهیری و نا امیدي القاعده از او، باعث تشکیل چنین جنبشی شده باشد. برادران مسود موسوم به، عبدالله و ذوالفقار از جمله افرادی هستند که همزمان با حمله آمریکا به افغانستان، به این کشور سفر کردند تا در کنار طالبان علیه نیروهای ائتلاف بجنگند. عبدالله مسود یا نور عالم از قبیله مسودی های وزیرستان جنوبی هم مرز با افغانستان است که در سال ۱۹۹۶ میلادی و چند روز پیش از اشغال کابل توسط طالبان، در انفجار مین زخمی و یک پای خود را از دست داد. وی در سال ۲۰۰۲ م از سوی نیروهای امریکایی دستگیر و زندانی شد، اما در سال ۲۰۰۴ میلادی به دلایل نامعلوم آزاد و به وزیرستان شمالی بازگشت.

عبدالله مسود پس از حملات امریکایی ها به مناطق باجور که تعدادی کشته و دهها زخمی برجای گذاشت، تهدید کرد به اقدامات تلافی جویانه دست خواهد زد. عبدالله مسود، در حالی که در ناحیه ژوب ایالت بلوچستان در آستانه بازداشت از سوی نیروهای امنیتی پاکستان بود، خود را منفجر کرد. با کشته شدن عبدالله، برادرش بیت الله مسود، مسولیت جنگ با دولت و اردوی پاکستان را بر عهده گرفت. تا اوایل سال ۲۰۰۵ میلادی، بیت الله مسود در سایه عبدالله برادر خود، به فعالیتهای مخفی می پرداخت. بیت الله مسود سی و چند ساله، برخلاف عبدالله برادر خود، بسیار مخفیانه و بی سر و صدا

فعالیت می‌کند. وی از عکس گرفتن گریزان است و در بین مردم با چهره‌ای پوشیده ظاهر می‌شود. پس از گروگان گرفتن بیش از نودصد سرباز نظامی توسط بیت‌الله مسود دولت پاکستان یکصد نفر از زندانیان طالبان را آزاد کرد. بیت‌الله مسود در سال ۲۰۰۷ میلادی، عملیات انتحاری زیادی علیه دولت و اردوی پاکستان طراحی کرد و انجام داد و توانست

جنگ را به مناطق خارج از وزیرستان جنوبی و شمالی گسترش دهد. بیت‌الله مسود همزمان با لغو وضعیت فوق‌العاده، جنبش طالبان پاکستان را تاسیس کرد. این جنبش، خواستار توقف عملیات اردوی پاکستان در مناطق قبایلی و خروج فوری آنها از این مناطق شده است. بیت‌الله مسود هم اکنون کنترل ناحیه مهم وزیرستان جنوبی را در اختیار دارد، ناحیه‌ای که امریکایی‌ها برای مقابله با وی، یک پایگاه بزرگ را در خوست افغانستان که در مقابل وزیرستان جنوبی قرار دارد، ایجاد کرده‌اند.

جنبش متحد طالبان بعد از مهلت ده روزه به حکومت پاکستان مبنی بر خروج نظامیان خود از منطقه صوات اولین ضرب شست خود را به نیروهای نظامی آنکشور نشان داد و در یک حمله غافلگیرانه چهار سرباز ارتش را اختطاف کردند و به جای نامعلومی با خود بردند. مسئولیت اینکار را بدوش گرفت. (تول افغان، زمه وال ۲۴ / ۱۲ / ۲۰۰۷) افزون بر این، مسئولیت حمله به کاروان نظامیان اردوی پاکستان را که ۱۲ کشته و ۲۵ زخمی در پی داشت، برعهده گرفت.

گزارشگر تول افغان خبر میدهد که در منطقه قبایلی باره از طرف گروهی که خود را لشکر اسلام میخوانند به مردم ابلاغ شده که بعد از این لباس اسلامی به تن کنند، مردان حق ندارند ریش خود را بتراشند. منگل باغ امیرلشکر اسلام دستور داده که تمام مردان باید در پنج وقت نماز در مسجد حاضر باشند و کسانی که حاضر نباشد جریمه گردند. برای تطبیق این دستور لست های نمازگزاران در مساجد آویزان شده و یک نفر امیر در وقت نماز حضری میگیرد و نام کسانی را که در مسجد حاضر نباشند به کمیته امر به معروف و نهی از منکر میفرستد که با آنها مطابق قوانین اسلامی رفتار شود. امیر منگل باغ به تمام دکانداران هدایت داده تا واحد های وزن خود را عوض کرده از اوزان آهنی استفاده کنند. علاوه به مردم امر شده که قبرهای پخته و مزین با سنگ های زینتی منسوبین خود را ویران کرده بجای آن قبرهای خاکی درست کنند. هرگاه این امر در ظرف یک هفته عملی نشود، قبرها از طرف کمیته موظف ویران و صاحب هر قبر ده هزار کلدار جریمه خواهد پرداخت.

در ایجنسی مومند در ایالت سرحد شمالغربی نیز طالبان به سلمانیهها امر کرده اند که اگر منبع ریش کسی را بتراشند، دکان شان انفجار داده خواهد شد. قبل از این هم طالبان دکانهای سی دی فروشی را با بمب منفجر کرده بودند. طالبان در این منطقه به قمار بازان اخطار داده بودند که از قماربازی و دزدی موثر و آدم ربائی دست بگیرند. روز ۶ دسمبر در یک جشن عمومی قماربازان سرگرم قمار بودند که ناگاه مورد حمله طالبان قرار گرفتند و در نتیجه دو نفر شان جابجا کشته شدند و بقیه را طالبان دستگیر کرده باخود بردند. (تول افغان - ۷ نومبر ۲۰۰۷)

وزیرستان جنوبی و شمالی در مناطق قبایلی پاکستان، از مراکز عمده فعالیت شبه نظامیان طالبان و شبکه القاعده محسوب می‌شود. در حال حاضر در مناطق قبایل شمالغربی پاکستان طالبان بیش از ۱۲ دفتر محلی تاسیس کرده اند و حکومت فدرال بیم از آن دارد که این دفاتر افزایش یابد. طالبان محلی در پاکستان در شهرهای «وانا، لدها و جانی خیل» در وزیرستان جنوبی چهار دفتر و در «میران شاه» وزیرستان شمالی در مدارس ابوشعیب، خلیفه و فاروقیه دفاتری نیز ایجاد کرده اند. طالبان شاخه پاکستان در میدان سیاست به چند حزب که در ائتلافی موسوم به "متحدہ مجلس عمل" شکل گرفته متصل هستند. اجزایی که سه روحانی سرشناس آن یعنی مولانا فضل الرحمان و قاضی حسین احمد و سمیع الحق از نفوذ زیادی در میان پشتونهای سرحد برخوردار اند. ائتلاف شش گانه اکنون در ایالت های قبیله ای وزیرستان و سرحد شمالی فعالترین دفاتر را دارند و اغلب مدارس مذهبی سفلیون توسط آنان اداره می‌شود.

برخی معتقدند که حلقه های ارتباط سیاسی طالبان با کشورهای عربی تأمین کننده پول و ایدئولوژی این جریانات نیز به این رهبران برمی‌گردد.

اکنون امریکا و شرکایش به این باور رسیده اند که کانون تأمین کننده همه جریان های افراطی افغانستان در مناطق مرزی پاکستان قرار دارد. کارشناسان غرب به صراحت نوشته اند که پایتخت طالبان و القاعده از کابل به مناطق قبیله ای منتقل شده است و پدیده طالبان محلی یا طالبانیم در پاکستان در مناطق قبایلی وزیرستان شمالی و جنوبی چنان شدت گرفته است که عناصر تندرو آنها جای القاعده را می‌گیرند.

تاکنون در توصیف دلایل شکست و ناکامی دولت های شریک امریکا در برابر این جریان های افراطی اغلب بر دو عامل تأکید شده است و گفته می‌شود که دو عنصر موجب شده که آنها به نیروی شکست ناپذیر نه فقط در برابر اردوی حرفه ای پاکستان، بلکه در برابر غرب تبدیل شوند. اول موقعیت سوق الجیشی قبایل که سخت ترین و صعب العبورترین مناطق جهان را در امتداد مرزهای کشور پاکستان و افغانستان به طول ۱۲۰۰ کیلومتر در دست دارند و دوم پشتگرم

بودن به منبع بی پایان درآمد قاچاق بویژه قاچاق سلاح و مواد مخدر آنها در نقطه ای که همگان آن را به عنوان شاهراه و مرکز ترانزیت قاچاق جهان می شناسند. واقعیت ها نشان می دهد که سرمایه گذاران جریان های افراطی بیشترین بهره را از فقر و محرومیت این مناطق برده اند و آنها سربازان اصلی جنگ های اخیر را از فرزندان همین مناطق محروم و نابسامان جذب می کنند. در ضمن افراطیون پاکستانی با راه اندازی عملیات انتحاری در سرتا سر کشور، در مناطق قبایلی همسرحد افغانستان جایی که شبکه القاعده سنگر گرفته است مناطق بیشتری را به تصرف خود در آورده اند. (دوشنبه، سایت اریائی)

در ماه و هفته های اخیر پاکستان شاهد بمب گذاری های انتحاری زیادی در نقاط مختلف آن کشور از جمله راولپندی و نواحی نزدیک به سرحد افغانستان بوده است. به دنبال دو عمل انتحاری که روز ۱۸ اکتوبر در روز ورود خانم **بینظیر بوتو** اجرا شد و **بینظیر**، از هردوی آن جان سالم بدر برد ولی بیش از ۵۰ کشته و صدها زخمی برجای گذاشت، باری قبل از قتل خود هشدار داده بود که: **"طالبان نزدیکتر و نزدیکتر می شوند."** و تعهد کرد که "از قدرت، منابع انسانی و آموزش و پرورش" استفاده کند تا از تبدیل شدن بخشهایی از پاکستان به کانونهای تروریستی ملی و بین المللی که همه را تهدید می کند، جلوگیری کند. (bbc ۲۲ نومبر ۲۰۰۷)

روز ۲۵ نومبر دو انفجار در راولپندی، ۱۵ نفر را کشت و تعدادی بیشتری را زخمی کرد. بر اساس گزارش های منتشر شده یکی از این انفجارها در بس و دیگری در یکی از پوسته های کنترل ارتش رخ داد. ژنرال وحید ارشد سخنگوی ارتش پاکستان به خبرنگاران گفت: "هر دوی این حملات انتحاری بوده اند."

طی چند ماه گذشته عملیات انتحاری متعددی در پاکستان رخ داده و این سومین انفجاری است که در راولپندی رخ می دهد. در نخستین عملیات انتحاری که شنبه انجام شد یک موتر حامل بمب در بیرون از مقر ارتش پاکستان منفجر گردید. بر اثر این حادثه یکی از نگهبانان نظامی کشته شد. در حمله دوم یک موتر حاوی مواد منفجره به یک بس متعلق به وزارت دفاع پاکستان که در حال ورود به ساختمان سازمان اطلاعاتی این کشور بود برخورد کرد. باربارا پلت خبرنگار بی بی سی در اسلام آباد می گوید احتمال می رود که پیکارجویان طرفدار طالبان عامل این حوادث باشند. وی می افزاید این پیکارجویان احتمالاً در واکنش به عملیات ارتش پاکستان در دره صوات دست به این اقدامات زده اند. (bbc، ۲۵، نومبر ۲۰۰۷)

حتی خانم های طالب شده نیز برضد نظامیان پاکستانی دست به حملات انتحاری میزنند چنانکه روز ۴ دسامبر یک خانم در محله صدرپشاور که محل سکونت نظامیان پاکستانی است، نزدیک یک پوسته بازجویی خود را منفجر ساخت، مگر از تلفات ناشی از آن حمله رقم دقیقی در دست نیست. (تول افغان، ۴ دسامبر،) صدای امریکا گزارش داد که مقامات گفتند، این اولین باری است که بم گذاری توسط یک زن در پاکستان صورت میگیرد. (صدای امریکا ۴ دسامبر)

تندروان با حملات انتحاری، بم های کنار جاده و اختطاف ها در منطقه قبایلی، عساکر پاکستانی را هدف قرار میدهند. قوای نظامی پاکستانی میگویند تندروان اسلامیت بر یک کاروان عساکر در منطقه قبایلی وزیرستان شمالی حمله نموده شش عسکر را کشتند. وحید ارشد، سخنگوی اردوی پاکستان میگوید درین خشونت ها ۱۵ تندرو هلاک و بیست عسکر پاکستانی مجروح شدند. همچنان در وزیرستان شمالی، انفجار یک بم کنار جاده در جریان روز حد اقل چهار عسکر پاکستانی را که در یک کاروان دیگر وسایط سفر میکردند، مجروح ساخت. (صدای امریکا ۱۲/۱۲/۲۰۰۷)

به گزارش صدای امریکا، روز ۱۳ دسامبر ۲۰۰۷ دو بم گزار انتحاری بر یک موضع تفتیش نظامی در کویته، مرکز ولایت بلوچستان حمله کرده حد اقل هفت نفر را هلاک ساختند. اولین بم گزار بم خود را در نزدیک یک صف موترهایی که برای کنترل متوقف شده بودند، منفجر ساخت. وقتی مردم به لاشه موتر نزدیک شدند، بم گزار انتحاری دیگر بم دومی را منفجر ساخت. منطقه آشوب زده بلوچستان اکثراً صحنه گلوله باری و بم گذاری بوده که گروه های ملیت خواه بلوچ را مسؤل آن قلمداد میکنند. این گروه ها با حکومت مرکزی برای خودمختاری بیشتر و یک بخش بزرگتر عواید ناشی از ذخایر مواد نفتی و گاز طبیعی، مبارزه میکنند. (۱۳ دسامبر، صدای امریکا)

پیش از اعلام لغو حالت اضطراری، یک انفجار انتحاری در خارج دروازه یک پوسته نظامی در شمال غرب این کشور منجر به کشته شدن دو سرباز و سه غیرنظامی و شش مجروح شد. روز دوشنبه پنج کودک در انفجاری انتحاری در نزدیکی پایگاهی نظامی در کمره کشته شدند، و روز پیش از آن نیز شش نفر در یک پوسته بازرسی در سوات کشته شده بودند. (bbc ۱۵/۱۲/۲۰۰۷) به گزارش خبرگزاری ایرنا، در ناحیه نظامی "نوشهره" ایالت سرحد پاکستان در بامداد روز ۱۵ دسمبر اثر یک حمله انتحاری ۷ تن کشته و ۱۱ زخمی برجای گذاشت. این حمله انتحاری نزدیک مرکز نظامی نوشهره رخ داد (ایرنا، ۱۵ دسمبر)

بنابر گزارش تلویزیون آریانا از کابل در شام ۱۷ دسمبر بر اثر یک عمل انتحاری در منطقه کوهات پاکستان بر سربازان پاکستانی از میدان تعلیمات نظامی برمیگشتند، ۹ نفر سرباز کشته شد و چندین تن دیگر مجروح گردید. این حمله دو روز بعد از لغو حالت اضطراری در شمالغرب پاکستان صورت میگیرد. (۱۷ دسمبر ۲۰۰۷)

روز جمعه، ۲۱ دسامبر (۳۰ فوس) و زمانی که بیش از یک‌هزار تن در مراسم نماز عید قربان در مصلاي نزدیک خانه آفتاب احمد خان شیرپاو، وزیر داخله سابق پاکستان، اجتماع کرده بودند، انفجاری در این محل روی داد که در اثر آن، دست کم ۵۰ نفر کشته و ۱۵۰ نفر زخمی شدند. شیرپاو در سال جاری هدف دو سوء قصد بوده است. آفتاب احمد خان شیرپاو، که زمانی از اعضای فعال حزب مردم پاکستان به رهبری بی نظیر بوتو محسوب می شد، پس از کودتای سال ۱۹۹۹ ژنرال پرویز مشرف و ایراد اتهام فساد مالی، برای مدتی در خارج از پاکستان به سر برد. وی ظاهراً پس از توافقی با ژنرال مشرف، برای شرکت در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲ به پاکستان بازگشت و به مجمع ملی این کشور راه یافت. آقای شیرپانو با ابراز مخالفت با رهبری خانم بوتو به تشکیل یک گروه انشعابی از حزب مردم مبادرت کرد و رهبری آن را در دست گرفت و با حمایت از ژنرال مشرف، توانست در مقام وزیر آب و برق و سپس وزیر کشور به کابینه او راه یابد. ( بی بی سی ۲۱ دسمبر) در روز سوم عید در دره صوات برضد نیروهای نظامی یک عمل انتحاری صورت گرفت که در آن ۲۲ نفر نظامی و غیر نظامی کشته و زخمی شدند. ( بی بی سی ۲۱ دسمبر)

**ترور خانم بی نظیر بوتو** در روز ۲۷ دسمبر ۲۰۰۷، نقطه اوج بحران نا امنی در کشور پاکستان بشمار میرود. وی پس از ملاقات با حامدکرزی رئیس جمهور افغانستان در اسلام آباد، به راولپندی برگشت و بعد از ایراد یک سخنرانی انتخاباتی در راولپندی ترور گردید. به گزارش بی بی سی در حالی که موتر خانم بوتو محل گردهمایی را ترک می کرد، یک نفر ناشناس که عینک دودی رنگ بر چشم و دریشی سیاه به تن داشت چند گلوله برخانم بوتو شلیک نمود و سپس بمبگذار انتحاری که لباس شخصی بتن داشت و در عقب مردعینک پوش دیده میشد، بمب همراه خود را منفجر کرد. یک دختر جوان که با خانم بوتو در یک موتر نشسته بود و از این حادثه جان سالم بدر برده، به بی بی سی گفت که وی در پهلوی خانم بینظیر نشسته بود و دیده که یک گلوله برگردن بوتو اصابت کرد و خون بشدت از دوسوی گردن وی فوران مینمود. وی گفت اینکه گفته میشود سرخانم بوتو به سقف ماشین خورده و از اثر خون ریزی مغزی درگذشته است کاملاً دروغ و عاری از حقیقت است. دکتر شفاخانه نیز همان روز مرگ بوتو را از اثر گلوله وانمود کرد ولی فردای آن اظهار داشت که نیم فرق سروی نیز شکسته بود. منابع استخباراتی هند گفته است که خانم بوتو توسط یک تفنگچه لایزری ترور شده است. این منابع افزود که این نوع تفنگچه ها را سازمان اطلاعات نظامی پاکستان برای ترور شخصیت‌های هندی تازه از غرب بدست آورده اند. (بی بی سی) در این حادثه دست کم بیست نفر دیگر نیز در این انفجار کشته و عده زیادی نیز زخمی شدند. این دومین باری بود که بی نظیر بوتو پس از بازگشت به پاکستان در ماه اکتبر، مورد سوء قصد قرار گرفت.

ترور خانم بوتو که با واکنش شدیدی بسیاری از رهبران جهان روبرو شد، پاکستان را در موجی از نا آرامی فروبرد. بصیره خبرنگار بی بی سی روز ۲۹ دسمبر از نا آرامی ها در پاکستان چنین گزارش داد: از زمان ترور خانم بوتو ۲۰ بانک و ۱۵۰۰ موتر تیز رفتار، صدها موتر سایکل، ده ها ساختمان دولتی و غیر دولتی، ۹ مرکز انتخاباتی، ۷۶۵ مغازه و دکان، چهار قطار آهن با چهار استیشن ریل، به آتش کشیده شده، و ۶۰ نفر کشته شده و صدها نفر زخمی شده اند. در ایالت سند زندانیان قفل های زندان را شکسته و ۹۳۷ نفر زندانی فرار کرده اند.

اکثر دفاتر مسلم لیگ شاخه قاید اعظم آتش زده شده، کمبود دوا در شفاخانه ها و قیمت مواد خوراکی در شهرها بلند رفته است. آقای مشرف گفته باید با کسانی که در شهرها به غارت روی آورده اند "محکم برخورد کرد و تمام اقدام های لازم را برای کسب اطمینان از امنیت و آسایش مردم انجام داد." (بی بی سی، ۲۹ دسمبر)

جنرال جاوید اقبال چیمه سخنگوی وزارت داخله پاکستان، اعلام کرده که بیت الله مسود فرمانده طالبان در وزیرستان شمالی، عامل اصلی ترور بی نظیر بوتو بوده است. البته این خبر، از سوی محافل سیاسی و رسانه‌ای داخلی پاکستان و همچنین حزب مردم جدی گرفته نشده است. و بیت الله مسود هم این اتهام را رد کرد.

خودخانم بوتو گفته بود: "افرادی در درون حکومت پرویز مشرف و دستگاه اشباحی امنیتی اش که با افراط گرایان اسلامی هموایی دارند و احساس می کنند که محبوبیت فزاینده وی آنها را تهدید می کند؛ برای قتل وی توطئه می کنند."

ناظران تردیدی ندارند که قتل خانم بوتو یک قتل سیاسی است. این قتل همچنان میتواند یک توطئه مشترک امنیتی - مذهبی باشد که ابتدا توسط یک فرد بسوی خانم بوتو گلوله فیر میشود و بعد توسط فردانتحاری عمل انفجار اجرا میگردد و بدینوسیله هم شخص انتحاری و هم شخص فیرکننده هردو نابود میگردد. و در نتیجه دو گروه - هم نظامیان و هم بنیادگرایان - به مقصود خود میرسند. با از میان برداشتن خانم بوتو، وقت بسیاری بکار است تا شخصیت سیاسی دموکرات دیگری در پاکستان ظهور کند و از محبوبیتی مثل خانم بی نظیر بوتو برخوردار گردد، و زمام امور کشور غرق در کام نظامیگری و بنیادگرایی را نجات بخشد.

تحلیلگر افغان حمید عبیدی در مورد بیظیر بوتو و نقش او در مسایل افغانستان مینویسد: شکی نیست که اگر بی نظیر بوتو این بار به قدرت می رسید دیگر برای (آی اس آی) و نظامیان پاکستان چندان ساده نمی بود تا طرح های خود را بر وی

تحمیل کنند؛ زیرا بوتو قرار بود این بار به کمک امریکا و متحدین آن در تحقق طرح مهار کردن و ریشه کن کردن بنیادگرایی و به خصوص از نوع جهادی آن در داخل اردو و مجموع ارگان های دولتی و جامعه پاکستان که قطع هرگونه پشتیبانی از القاعده و طالبان و متحدین محلی آن ها را نیز شامل می شد، سهم ایفا کند. این که ترور بینظیر بوتو تنها ساعاتی پس از ملاقات وی با حامد کرزی صورت پذیرفت، گرچه از نظر تقارن زمانی یک تصادف است، ولی از نظر موضوع با هم مرتبط اند؛ زیرا ناکامی طالبان و القاعده در افغانستان بدون برچیدن تخته خیز پاکستانی ناممکن است." (سایت اسمائی ۲۰ جنوری ۲۰۰۸)

به گزارش بی بی سی خسونت هایی که پس از واقعه لعل مسجد در پاکستان روی داده تا مرگ بی نظیر بوتو بیش از ۸۰۰ کشته بوده است. اما روند خشونتها در مناطق قبایلی پاکستان از تلفات بیشتری حکایت میکند. و تنها در کرم ایجنسی بیش از هزار نفر کشته و زخمی گزارش میشود. گزارشها میگوید که بر اثر برخوردهای فرقه یی از ۱۶ نومبر تا ۳ جنوری ۲۰۰۸، ۳۱۶ نفر کشته و ۶۹۱ نفر زخمی گردیده اند. و روز ۳ جنوری شش تن کشته و ۱۱ نفر زخمی شده اند. در این زد و خوردها جنگجویان از سایر ایجنسی ها هم اشتراک دارند. (تول افغان، ۳/ ۱/ ۲۰۰۸) بر اثر این وضع ناگوار بسیاری از باشندگان نزدیک سرحد به افغانستان فرار کرده اند.

بدینسان هر روزیکه می گذرد، پاکستان با عملیات گسترده افراطیون مذهبی روبرو می شود و به نظر میرسد که دست پروردگان آی.اس.آی. اکنون سر به طغیان برداشته و از گریبان اولیای خود گرفته اند. در واقع پاکستان و سازمان استخبارات نظامی آن (ISI) یادکاشته و اکنون طوفان در می کند. افراطیون با همان آتشی که استخبارات نظامی آن کشور برای نابودی افغانستان سه دهه قبل فروخته بود، و کشور ما را به خاک سیاه نشانده، میخواهند پاکستان را نیز آتش بزنند و بخاک سیاه بنشانند. در حال حاضر شعله های این آتش گاهی از راولپندی، و زمانی از اسلام آباد، و وقتی از وزیرستان شمالی گاهی از وزیرستان جنوبی و زمانی از سوات یا کرم و گاهی از باجور و مومند ایجنسی و زمانی از بلوچستان یا از کراچی زبانه میکشد و پاکستان را تهدید به نابودی و فرو پاشی میکند.

به باور تحلیلگران: يك بعد مهم تحولات سياسي - اجتماعي پاکستان تعارض و تقابل نیروهای مذهبی با اردو است. خیزش نیروهای تندرو بدترین فرایند برای سازمان های اطلاعاتی و اردوی پاکستان است. اکنون که بنیادگرایی در پاکستان اردو - این متحد سابق خود - را به مبارزه فراخوانده، بدترین سناریوی ممکن در حال تحقق یافتن است. این وضعیت احتمالاً پاکستان را وا خواهد داشت تا با افغانستان که تا دیروز بر سر طالبان با هم تعارض داشتند، موقتاً از در اتحاد پیش آید و برای سرکوب بنیادگرایان متحدانه عمل کنند. به عبارت دیگر دولت پاکستان ناچار است همان خط مشی را علیه نیروهای افراطی در پیش گیرد که دولت افغانستان علیه طالبان اعمال می کند.

احمد رشید در کتاب جدید خود (گدودی ته ور شیوه کپدل) از ISI کاملاً مذمت میکند. او میگوید: "ای ایس ای د طالبانو، کشمیری افراطیانو، او د مذهبی بلو ملاتر کوی. او یوه داسی تباہ کونکی خارجی پالیسی تعقیبوی چی د هند او افغانستان څخه پر ډار او بېري را څرخي. د هند څخه همدا بېره ده چی ای ایس ای یی د زره وي وسلو جوړولو او خورولو ته هڅولی دی. هغه وایي چی د څو کالو راهیسی د مذهبی افراطیانو او ای ایس ای تر مینځ روابط خراب سوی دی، او ای ایس ای نور پر همدغو تباہ کارانو باندي پوره کنترول نلري. همدا سبب دی چی پاکستان خپله د تروریستی حملو بیکار گرځېدلی دی." (هاری، بینواسایت)

با این وضعیت اکنون می باید مقامات ارشد پاکستان و سازمان استخبارات نظامی آن کشور (ISI)، از تشویق و ترغیب بیش از حد بنیادگرایی در آن کشور درس عبرتی گرفته باشند و در موضعگیری غیر دوستانه خود در قبال افغانستان تغییری وارد کنند و این کلام نغز و پرمغز علامه اقبال لاهوری را تکرار کنند که:

**تخم دیگر به کف آریم و بکاریم ز نو**

**کاتچه کاشتیم ز خجلت نتوانیم درو**

پایان ۲۰ جنوری ۲۰۰۸

\*نام فامیلی این روحانی افراطی بیت الله در رسانه های پاکستانی و بی بی سی و صدای امریکا و غیره تا کنون به اشکال مختلف چون: مسعود و مسعود نوشته و دیده شده، اما هر دوی این شکل نادرست است. چراکه نام فامیلی وی از قوم منسوبه اش (مسود) گرفته شده که در متون افغانی بصورت مسعود آمده، مگر مردم محل خود را مسیدگویند.